

قرنتیان

خداوند ما عیسی مسیح که همه یک سخن گویند و شقاق در میان شما نباشد، بلکه در یک فکر و یک رأی کامل شوید.^{۱۱} زیرا که ای برادران من، از اهل خانه خلوئی درباره شما خبر به من رسید که نزاعها در میان شما پیدا شده است.^{۱۲} غرض اینکه هر یکی از شما می گوید که من از پولس هستم، و من از آپلس، و من از کیفا، و من از مسیح.^{۱۳} آیا مسیح تقسیم شد؟ یا پولس در راه شما مصلوب گردید؟ یا به نام پولس تعمید یافتید؟^{۱۴} خدا را شکر می کنم که هیچ یکی از شما را تعمید ندادم جز کرسپس و قایوس،^{۱۵} که مبادا کسی گوید که به نام خود تعمید دادم.^{۱۶} و خاندان استیفان را نیز تعمید دادم و دیگر یاد ندارم که کسی را تعمید داده باشم.^{۱۷} زیرا که مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم، نه به حکمت کلام مبادا صلیب مسیح باطل شود.

مسیح قوت و حکمت خدا

^{۱۸} زیرا ذکر صلیب برای هالکان حماقت است، اما نزد ما که ناجیان هستیم قوت خداست.^{۱۹} زیرا مکتوب است: «حکمت حکما را باطل سازم و فهم فهیمان را نابود گردانم.»^{۲۰} کجا است حکیم؟ کجا کاتب؟ کجا مباحث

۱ پولس به اراده خدا رسول خوانده شده عیسی مسیح و سؤستائیس برادر،^۲ به کلیسای خدا که در قرنتس است، از مقدسین در مسیح عیسی که برای تقدس خوانده شده اند، با همه کسانی که در هر جا نام خداوند ما عیسی مسیح را می خوانند که [خداوند] ما و [خداوند] ایشان است.^۳ فیض و صلح از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد.

شکرگزاری

۴ خدای خود را پیوسته شکر می کنم درباره شما برای آن فیض خدا که در مسیح عیسی به شما عطا شده است،^۵ زیرا شما از هر چیز در وی دولتمند شده اید، در هر کلام و در هر معرفت.^۶ چنانکه شهادت مسیح در شما استوار گردید،^۷ بخدی که در هیچ عطیه روحانی ناقص نیستید و منتظر مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح می باشید.^۸ که او نیز شما را تا به آخر استوار خواهد فرمود تا در روز خداوند ما عیسی مسیح بی ملامت باشید.^۹ امین است خدایی که شما را به شراکت پسر خود عیسی مسیح خداوند ما خوانده است.

پرهیز از شقاق

۱۰ اما ای برادران از شما استدعا دارم به نام

و عظم من به سخنان قانع‌کننده حکمت نبود، بلکه به برهان روح و قوت،^۵ تا ایمان شما در حکمت انسان نباشد بلکه در قوت خدا.

حکمت روح

۶ اما حکمتی بیان می‌کنیم نزد کاملین، اما حکمتی که از این عالم نیست و نه از رؤسای این عالم که زایل می‌گردند.^۷ بلکه حکمت خدا را در سرتی بیان می‌کنیم، یعنی آن حکمت مخفی را که خدا پیش از دهرها برای جلال ما مقدر فرمود،^۸ که احدی از رؤسای این عالم آن را ندانست زیرا اگر می‌دانستند خداوند جلال را مصلوب نمی‌کردند.^۹ بلکه چنانکه مکتوب است: «چیزهایی را که چشمی ندید و گوش نشنید و به‌خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است.»^{۱۰} اما خدا آنها را به روح خود بر ما کشف نموده است، زیرا که روح همه چیز حتی عمق‌های خدا را نیز تفحص می‌کند.

^{۱۱} زیرا کیست از مردمان که امور انسان را بدانند جز روح انسان که در وی می‌باشد. همچنین نیز امور خدا را هیچ‌کس ندانسته است، جز روح خدا.^{۱۲} اما ما روح جهان را نیافته‌ایم، بلکه آن روح که از خداست تا آنچه خدا به ما عطا فرموده است بدانیم.^{۱۳} که آنها را نیز بیان می‌کنیم نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان، بلکه به آنچه روح القدس می‌آموزد و روحانیها را با روحانیها جمع می‌نماییم.^{۱۴} اما انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا که نزد او جهالت است و آنها را نمی‌تواند فهمید زیرا حکم آنها از

این دنیا؟ مگر خدا حکمت جهان را جهالت نگردانیده است؟^{۲۱} زیرا که چون برحسب حکمت خدا، جهان از حکمت خود به معرفت خدا نرسید، خدا بدین رضا داد که به‌وسیله جهالت موعظه، ایمانداران را نجات بخشد.^{۲۲} چونکه یهود آیتی می‌خواهند و یونانیان طالب حکمت هستند.^{۲۳} اما ما به مسیح مصلوب و عظم می‌کنیم که یهود را لغزش و امت‌ها را جهالت است.^{۲۴} اما دعوت شدگان را خواه یهود و خواه یونانی مسیح قوت خدا و حکمت خدا است.^{۲۵} زیرا که جهالت خدا از انسان حکیمتر است و ناتوانی خدا از مردم، تواناتر.

^{۲۶} زیرا ای برادران دعوت خود را ملاحظه نمایید که بسیاری به حسب جسم حکیم نیستند و بسیاری توانا نی و بسیاری شریف نی.^{۲۷} بلکه خدا جهالت جهان را برگزید تا حکما را رسوا سازد و خدا ناتوانان عالم را برگزید تا توانایان را رسوا سازد،^{۲۸} و خسیسان دنیا و محقران را خدا برگزید، بلکه نیستیها را تا هستیها را باطل گرداند.^{۲۹} تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند.^{۳۰} اما از او شما هستید در عیسی مسیح که از جانب خدا برای شما حکمت شده است و عدالت قدوسیّت و فدا.^{۳۱} تا چنانکه مکتوب است هر که فخر کند در خداوند فخر نماید.

و من ای برادران، چون به نزد شما آمدم، با فضیلت کلام یا حکمت نیامدم چون شما را به سر خدا اعلام می‌نمودم.^۲ زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب.^۳ و من در ضعف و ترس و لرزش بسیار نزد شما شدم،^۴ و کلام و

است، یعنی عیسی مسیح.^{۱۲} اما اگر کسی بر آن بنیاد، عمارتی از طلا یا نقره یا جواهر یا چوب یا گیاه یا کاه بنا کند،^{۱۳} کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش، عمل هرکس را خواهد آزمود که چگونه است.^{۱۴} اگر کاری که کسی بر آن گذارده باشد بماند، اجر خواهد یافت.^{۱۵} و اگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هر چند خود نجات یابد اما چنانکه از میان آتش.

^{۱۶} آیا نمی دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟^{۱۷} اگر کسی هیکل خدا را خراب کند، خدا او را هلاک سازد زیرا هیکل خدا مقدس است و شما آن هستید.^{۱۸} زنهار کسی خود را فریب ندهد! اگر کسی از شما خود را در این جهان حکیم پندارد، جاهل بشود تا حکیم گردد.^{۱۹} زیرا حکمت این جهان نزد خدا جهالت است، چنانکه مکتوب است: «حکما را به مکر خودشان گرفتار می سازد.»^{۲۰} و همچنین: «خداوند افکار حکما را می داند که باطل است.»^{۲۱} پس هیچ کس در انسان فخر نکند، زیرا همه چیز از آن شما است،^{۲۲} خواه پولس، خواه آپلس، خواه کیفنا، خواه دنیا، خواه زندگی، خواه موت، خواه چیزهای حال، خواه چیزهای آینده، همه از آن شما است،^{۲۳} و شما از مسیح و مسیح از خدا می باشد.

رسولان خادم هستند

هرکس ما را چون خدام مسیح و وکلای اسرار خدا بشمارد.^۲ و دیگر در وکلا

روح می شود.^{۱۵} اما شخص روحانی در همه چیز حکم می کند و کسی را در او حکم نیست.^{۱۶} «زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تا او را تعلیم دهد؟» اما ما فکر مسیح را داریم.

شفاق و جدایی

۳ و من ای برادران نتوانستم به شما سخن گویم چون روحانیان، بلکه چون جسمانیان و چون اطفال در مسیح.

۲ و شما را به شیر خوراک دادم نه به گوشت زیرا که هنوز توانایی آن نداشتید بلکه اکنون نیز ندارید،^۳ زیرا که تا به حال جسمانی هستید، چون در میان شما حسد و نزاع و جدایی ها است. آیا جسمانی نیستید و به طریق انسان رفتار نمی نمایید؟^۴ زیرا چون یکی گوید من از پولس و دیگری من از آپلس هستم، آیا انسان نیستید؟^۵ پس کیست پولس و کیست آپلس؟ جز خادمانی که به واسطه ایشان ایمان آوردید و به اندازه ای که خداوند به هرکس داد.^۶ من کاشتم و آپلس آبیاری کرد اما خدا نمو می بخشید.^۷ بنابراین نه کارنده چیزی است و نه آب دهنده بلکه خدای رویاننده.^۸ و کارنده و سیراب کننده یک هستند، اما هر یک اجرت خود را به حسب مشقت خود خواهند یافت.^۹ زیرا با خدا همکاران هستیم و شما زراعت خدا و عمارت خدا هستید.^{۱۰} به حسب فیض خدا که به من عطا شد، چون معمار دانا بنیاد نهادم و دیگری بر آن عمارت می سازد؛ اما هرکس با خیر باشد که چگونه عمارت می کند.^{۱۱} زیرا بنیادی دیگر هیچ کس نمی تواند نهاد جز آنکه نهاده شده

افترا بر ما می‌زنند، نصیحت می‌کنیم و مثل تفاله دنیا و فضلات همه چیز شده‌ایم تا به‌حال.

۱۴ و این را نمی‌نویسم تا شما را شرم‌منده سازم بلکه چون فرزندان محبوب خود تنبیه می‌کنم. ۱۵ زیرا هرچند هزاران استاد در مسیح داشته باشید، اما پدران بسیار ندارید، زیرا که من شما را در مسیح عیسی به انجیل تولید نمودم، ۱۶ پس از شما التماس می‌کنم که به من اقتدا نمایید. ۱۷ برای همین تیموتاوس را نزد شما فرستادم که اوست فرزند محبوب من و امین در خداوند تا راه‌های مرا در مسیح به یاد شما بیاورد، چنانکه در هر جا و در هر کلیسا تعلیم می‌دهم. ۱۸ اما بعضی تکبر می‌کنند به گمان آنکه من نزد شما نمی‌آیم. ۱۹ اما به زودی نزد شما خواهم آمد، اگر خداوند بخواهد و خواهم دانست نه سخن متکبران را بلکه قوت ایشان را. ۲۰ زیرا ملکوت خدا به زبان نیست بلکه در قوت است. ۲۱ چه خواهش دارید آیا با چوب نزد شما بیایم یا با محبت و روح بردباری؟

تنبیه زناکار

۵ فی الحقیقه شنیده می‌شود که در میان شما زنا پیدا شده است، و چنان زنایی که در میان امت‌ها هم نیست؛ که شخصی زن پدر خود را داشته باشد. ۲ و شما فخر می‌کنید بلکه ماتم هم ندارید، چنانکه باید تا آن کسی که این عمل را کرد از میان شما بیرون شود. ۳ زیرا که من هرچند در جسم غایبم، اما در روح حاضر؛ و الآن چون حاضر، حکم کردم در حق کسی که این را چنین کرده است. ۴ به نام خداوند ما

باز پرس می‌شود که هر یکی امین باشد. ۳ اما برای من کمتر چیزی است که از شما یا از هر دادگاه انسانی قضاوت شوم، بلکه بر خود نیز حکم نمی‌کنم. ۴ زیرا که در خود عیبی نمی‌بینم، اما از این عادل شمرده نمی‌شوم، بلکه حکم‌کننده من خداوند است.

۵ بنابراین پیش از وقت به چیزی حکم مکنید تا خداوند بیاید که خفایای ظلمت را روشن خواهد کرد و تبت‌های دلها را به ظهور خواهد آورد؛ آنگاه هرکس را مدح از خدا خواهد بود.

۶ اما ای برادران، این چیزها را بطور مثل به خود و آپلس نسبت دادم به‌خاطر شما تا درباره ما آموخته شوید که از آنچه مکتوب است تجاوز نکنید و تا هیچ یکی از شما تکبر نکند برای یکی بر دیگری. ۷ زیرا کیست که تو را برتری داد و چه چیز داری که نیافتی؟ پس چون یافتی، چرا فخر می‌کنی که گویا نیافتی.

۸ اکنون سیر شده و دولت‌مند گشته‌اید و بدون ما سلطنت می‌کنید؛ و کاشکه سلطنت می‌کردید تا ما نیز با شما سلطنت می‌کردیم. ۹ زیرا گمان می‌برم که خدا ما رسولان را آخر همه عرضه داشت مثل آنانی که فتوای مرگ بر ایشان شده است، زیرا که جهان و فرشتگان و مردم را تماشاگاه شده‌ایم. ۱۰ ما به‌خاطر مسیح جاهل هستیم، اما شما در مسیح دانا هستید؛ ما ضعیف اما شما توانا؛ شما عزیز اما ما ذلیل. ۱۱ تا به همین ساعت گرسنه و تشنه و عریان و کوبیده و آواره هستیم، ۱۲ و به دستهای خود کار کرده، مشقت می‌کشیم و دشنام شنیده، برکت می‌طلبیم و مظلوم گردیده، صبر می‌کنیم. ۱۳ چون

دنیا از شما حکم یابد، آیا قابل مقدمات کمتر نیستید؟^۳ آیا نمی دانید که فرشتگان را داوری خواهیم کرد تا چه رسد به امور روزگار؟^۴ پس چون در مقدمات روزگار مرافعه دارید، آیا آنانی را که در کلیسا حقیر شمرده می شوند، می نشانید؟^۵ برای انفعال شما می گویم، آیا در میان شما یک نفر دانا نیست که بتواند در میان برادران خود حکم کند؟^۶ بلکه برادر با برادر به محاکمه می رود و آن هم نزد بی ایمانان!

^۷ بلکه الآن برای شما شکستی کامل است که با یکدیگر مرافعه دارید. چرا بیشتر مظلوم نمی شوید و چرا بیشتر زیان دیده نمی شوید؟^۸ بلکه شما ظلم می کنید و زیان می رسانید و این را نیز به برادران خود!^۹ آیا نمی دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی شوند؟ فریب مخورید، زیرا بی عفتان و بت پرستان و زانیان و لذت جوین و لواط^{۱۰} و دزدان و طمعکاران و می گساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.^{۱۱} و بعضی از شما چنین می بودید اما شسته شده و مقدس گردیده و عادل کرده شده اید به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما.

زنا

^{۱۲} همه چیز برای من جایز است اما هر چیز مفید نیست. همه چیز برای من رواست، اما نمی گذارم که چیزی بر من تسلط یابد.^{۱۳} خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک، اما خدا این و آن را فانی خواهد ساخت. اما جسم برای زنا نیست، بلکه برای خداوند است و خداوند برای جسم.^{۱۴} و خدا خداوند را برخیزانید و

عیسی مسیح، هنگامی که شما با روح من با قوت خداوند ما عیسی مسیح جمع شوید،^۵ که چنین شخص به شیطان سپرده شود برای هلاکت جسم تا روح در روز خداوند عیسی نجات یابد.^۶ فخر شما نیکو نیست. آیا آگاه نیستید که اندک خمیرمایه، تمام خمیر را مختر می سازد؟^۷ پس خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازید تا فطیر تازه باشید، چنانکه بی خمیرمایه هستید زیرا که فصیح ما مسیح در راه ما ذبح شده است.^۸ پس عید را نگاه داریم نه به خمیرمایه کهنه و نه به خمیرمایه بدی و شرارت، بلکه به فطیر ساده دلی و راستی.

^۹ در آن رساله به شما نوشتم که با زانیان معاشرت نکنید.^{۱۰} اما نه مطلقاً با زانیان این جهان یا طمعکاران و یا ستمکاران یا بت پرستان، که در این صورت می باید از دنیا بیرون شوید.^{۱۱} اما الآن به شما می نویسم که اگر کسی که به برادر نامیده می شود، زانی یا طماع یا بت پرست یا فحاش یا می گسار یا ستمگر باشد، با چنین شخص معاشرت نکنید بلکه غذا هم مخورید.^{۱۲} زیرا مرا چه کار است که بر آنانی که خارج اند داوری کنم. آیا شما بر اهل داخل داوری نمی کنید؟^{۱۳} اما آنانی را که خارج اند خدا داوری خواهد کرد. پس آن شریر را از میان خود برانید.

مرافعه میان برادران

آیا کسی از شما چون بر دیگری مدعی باشد، جرأت دارد که مرافعه برد پیش ظالمان نه نزد مقدسان؟^۲ یا نمی دانید که مقدسان، دنیا را داوری خواهند کرد؛ و اگر



۸ اما به مجردین و بیوه زنان می گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند. ۹ اما اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است. ۱۰ اما منکوحان را حکم می کنم و نه من بلکه خداوند که زن از شوهر خود جدا نشود؛ ۱۱ و اگر جدا شود، مجرد بماند یا با شوهر خود صلح کند؛ و مرد نیز زن خود را جدا نسازد. ۱۲ و دیگران را من می گویم نه خداوند که اگر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند، او را جدا نسازد. ۱۳ و زنی که شوهر بی ایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند، از شوهر خود جدا نشود. ۱۴ زیرا که شوهر بی ایمان از زن خود مقدّس می شود و زن بی ایمان از برادر مقدّس می گردد و اگر نه اولاد شما ناپاک می بودند، اما اکنون مقدّسند. ۱۵ اما اگر بی ایمان جدایی نماید، بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به صلح خوانده است. ۱۶ زیرا که تو چه دانی ای زن که شوهرت را نجات خواهی داد؟ یا چه دانی ای مرد که زن خود را نجات خواهی داد؟

۱۷ مگر اینکه به هر طور که خداوند به هر کس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هر کس را خوانده باشد، بدینطور رفتار بکند؛ و همچنین در همه کلیساها امر می کنم. ۱۸ اگر کسی در مختونی خوانده شود، نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود، مختون نشود. ۱۹ ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا. ۲۰ هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در همان بماند. ۲۱ اگر در

ما را نیز به قوت خود خواهد برخیزانید. ۱۵ آیا نمی دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟ پس آیا اعضای مسیح را برداشته، اعضای فاحشه گردانم؟ حاشا! ۱۶ آیا نمی دانید که هر که با فاحشه پیوندد، با وی یک تن باشد؟ زیرا می گوید هر دو یک تن خواهند بود. ۱۷ اما کسی که با خداوند پیوندد یک روح است. ۱۸ از زنا بگریزید. هر گناهی که آدمی می کند بیرون از بدن است، اما زانی بر بدن خود گناه می ورزد. ۱۹ یا نمی دانید که بدن شما هیكل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ ۲۰ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید.

مسائل زناشویی

۱ اما درباره آنچه به من نوشته بودید، مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند. ۲ اما به سبب زنا، هر مرد همسر خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد. ۳ و شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را. ۴ زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه زنش، ۵ از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید؛ و باز با هم پیوندید مبدا شیطان شما را به سبب ناپرهیزی شما در وسوسه اندازد. ۶ اما این را می گویم به طریق اجازه نه به طریق حکم، ۷ اما می خواهم که همه مردم مثل خودم باشند. اما هر کس نعمتی خاص از خدا دارد، یکی چنین و دیگری چنان.

و باکره نیز تفاوتی است، زیرا باکره در امور خداوند می‌اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدّس باشد؛ اما منکوحه در امور دنیا می‌اندیشد تا شوهر خود را خوش سازد. ۳۵ اما این را برای نفع شما می‌گویم نه آنکه دامی بر شما بنهم بلکه نظر به شایستگی و ملازمت خداوند، بی‌تشویش.

۳۶ اما هرگاه کسی گمان برد که با باکره خود ناشایستگی می‌کند، اگر به حدّ بلوغ رسید و ناچار است از چنین شدن، آنچه خواهد بکند؛ گناهی نیست؛ بگذار که نکاح کنند. ۳۷ اما کسی که در دل خود پایدار است و احتیاج ندارد بلکه در اراده خود مختار است و در دل خود مصمّم است که باکره خود را نگاه دارد، نیکو می‌کند. ۳۸ پس هم کسی که به نکاح دهد، نیکو می‌کند و کسی که به نکاح ندهد، نیکوتر می‌نماید.

۳۹ زن مادامی که شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هرکه بخواهد منکوحه شود، اما در خداوند فقط. ۴۰ اما به حسب رأی من خوشحال‌تر است، اگر چنین بماند و من نیز گمان می‌برم که روح خدا را دارم.

قربانی های بتها

اما دربارهٔ قربانی های بتها، می‌دانیم که همه علم داریم. علم باعث تکبر است، اما محبت بنا می‌کند. ۲ اگر کسی گمان برد که چیزی می‌داند، هنوز هیچ نمی‌داند، بطوری که باید دانست. ۳ اما اگر کسی خدا را محبت نماید، نزد او معروف می‌باشد.

غلامی خوانده شدی تو را باکی نباشد، بلکه اگر هم می‌توانی آزاد شوی، از فرصت استفاده کن. ۲۲ زیرا غلامی که در خداوند خوانده شده باشد، آزاد خداوند است؛ و همچنین شخصی آزاد که خوانده شد، غلام مسیح است. ۲۳ به قیمتی خریده شدیدی، غلام انسان نشوید. ۲۴ ای برادران هرکس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن نزد خدا بماند.

۲۵ اما دربارهٔ باکره‌ها حکمی از خداوند ندارم. اما چون از خداوند رحمت یافتم که امین باشم، رأی می‌دهم. ۲۶ پس گمان می‌کنم که برای تنگی این زمان، انسان را نیکوآن است که همچنان بماند. ۲۷ اگر با زن بسته شدی، جدایی مجوی و اگر از زن جدا هستی دیگر زن مخواه. ۲۸ اما هرگاه نکاح کردی، گناه نورزیدی و هرگاه باکره منکوحه گردید، گناه نکرد. ولی چنین در جسم زحمت خواهند کشید، اما من بر شما شفقت دارم.

۲۹ اما ای برادران، این را می‌گویم وقت تنگ است تا بعد از این آنانی که زن دارند مثل بی‌زن باشند ۳۰ و گریبانان چون ناگریبانان و خوشحالان مثل ناخوشحالان و خریداران چون غیرمالکان باشند، ۳۱ و استعمال کنندگان این جهان مثل استعمال کنندگان نباشند، زیرا که صورت این جهان درگذر است.

۳۲ اما خواهش این دارم که شما بی‌اندیشه باشید. شخص مجرد در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید؛ ۳۳ و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد. ۳۴ در میان زن منکوحه

من در خداوند نیستید؟^۲ هرگاه دیگران را رسول نباشم، البتّه شما را هستم زیرا که مَهر رسالت من در خداوند شما هستيد.^۳ حجت من برای آنانی که مرا امتحان می‌کنند این است^۴ که آیا اختیار خوردن و آشامیدن نداریم؟^۵ آیا اختیار نداریم که خواهر دینی را به زنی گرفته، همراه خود ببریم، مثل سایر رسولان و برادران خداوند و کیفا؟^۶ یا من و برنابا به تنهایی مختار نیستیم که کار نکنیم؟

^۷ کیست که هرگز از خرجی خود جنگ کند؟ یا کیست که تا کستانی غرس نموده، از میوه‌اش نخورد؟ یا کیست که گله‌ای بچراند و از شیر گله ننوشد؟^۸ آیا این را بطور انسان می‌گویم یا شریعت نیز این را نمی‌گوید؟^۹ زیرا که در تورات موسی مکتوب است که «گاوارا هنگامی که خرمن را خرد می‌کند، دهان میند.» آیا خدا در فکر گاوان می‌باشد؟^{۱۰} یا محض خاطر ما این را نمی‌گوید؟ بلی برای ما مکتوب است که شخم‌کننده می‌باید به امید، شخم نماید و خردکننده خرمن در امید یافتن قسمت خود باشد.^{۱۱} چون ما روحانیها را برای شما کاشتیم، آیا امر بزرگی است که ما جسمانیهای شما را درو کنیم؟^{۱۲} اگر دیگران در این اختیار بر شما شریکند، آیا نه ما بیشتر؟ اما این اختیار را استعمال نکردیم، بلکه هر چیزی را متحمل می‌شویم، مبدا انجیل مسیح را تعویق اندازیم.

^{۱۳} آیا نمی‌دانید که هرکه در امور مقدّس مشغول باشد، از هیکل می‌خورد و هرکه خدمت مذبح کند، از مذبح نصیبی می‌دارد.^{۱۴} و همچنین خداوند فرمود که «هرکه به انجیل

^۴ پس درباره خوردن قربانی‌های بتها، می‌دانیم که بت در جهان چیزی نیست و اینکه خدایی دیگر جز یکی نیست.^۵ زیرا هرچند هستند که به خدایان خوانده می‌شوند، چه در آسمان و چه در زمین، چنانکه خدایان بسیار و خداوندان بسیار می‌باشند،^۶ اما ما را یک خداست، یعنی پدر که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم، و یک خداوند، یعنی عیسی مسیح که همه چیز از اوست و ما از او هستیم.

^۷ ولی همه را این معرفت نیست، زیرا بعضی تا به حال به اعتقاد اینکه بت هست، آن را چون قربانی بت می‌خورند و ضمیر ایشان چون ضعیف است نجس می‌شود.^۸ اما خوراک، ما را مقبول خدا نمی‌سازد زیرا که نه به خوردن بهتریم و نه به ناخوردن بدتر.^۹ اما احتیاط کنید مبدا اختیار شما باعث لغزش ضعف‌گردهد.^{۱۰} زیرا اگر کسی تو را که صاحب علم هستی بیند که در بتکده نشسته‌ای، آیا ضمیر آن کس که ضعیف است به خوردن قربانی‌های بتها بنا نمی‌شود؟^{۱۱} و از علم تو آن برادر ضعیف که مسیح برای او مرد هلاک خواهد شد.^{۱۲} و همچنین چون به برادران گناه ورزیدید و ضمائر ضعیفشان را صدمه رسانیدید، همانا به مسیح خطا نمودید.^{۱۳} بنابراین، اگر خوراک باعث لغزش برادر من باشد، تا به ابد گوشت نخواهم خورد تا برادر خود را لغزش ندهم.

حقوق رسالت

۹ آیا رسول نیستم؟ آیا آزاد نیستم؟ آیا عیسی مسیح خداوند ما را ندیدیم؟ آیا شما عمل

۲۷ بلکه تن خود را خوار می‌سازم و آن را در بندگی می‌دارم، مبادا چون دیگران را وعظ نمودم، خود محروم شوم.

هشدار درباره بتها و قربانی بتها

۱۰ زیرا ای برادران نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید از اینکه پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از دریا عبور نمودند^۲ و همه به موسی تعمیم یافتند، در ابر و در دریا؛^۳ و همه همان خوراک روحانی را خوردند^۴ و همه همان نوشیدنی روحانی را نوشیدند، زیرا که می‌آشامیدند از صخره روحانی که از عقب ایشان می‌آمد و آن صخره مسیح بود.^۵ اما از اکثر ایشان خدا راضی نبود، زیرا که در بیابان انداخته شدند.^۶ و این امور نمونه‌ها برای ما شد تا ما خواهشمند بدی نباشیم، چنانکه ایشان بودند؛^۷ و نه بت پرست شوید، مثل بعضی از ایشان، چنانکه مکتوب است: «قوم به خوردن و نوشیدن نشستند و برای لهُو و لعب برپا شدند.»^۸ و نه زنا کنیم چنانکه بعضی از ایشان کردند و در یک روز بیست و سه هزار نفر هلاک گشتند.^۹ و نه مسیح را تجربه کنیم، چنانکه بعضی از ایشان کردند و از مارها هلاک گردیدند.^{۱۰} و نه همهمه کنید، چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک کننده ایشان را هلاک کرد.

۱۱ و این همه بطور مثل بدیشان واقع شد و برای تنبیه ما مکتوب گردید که اواخر عالم به ما رسیده است.^{۱۲} پس آنکه گمان برَد که استوار است، آگاه باشد که نیفتد.^{۱۳} هیچ وسوسه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما

اعلام نماید، از انجیل معیشت یابد.»^{۱۵} اما من هیچ یک از اینها را استعمال نکردم و این را به این قصد نوشتم تا با من چنین شود، زیرا که مرا مردن بهتر است از آنکه کسی فخر مرا باطل گرداند.^{۱۶} زیرا هرگاه بشارت دهم، مرا فخر نیست چونکه مرا ضرورت افتاده است، بلکه وای بر من اگر بشارت ندهم.^{۱۷} زیرا هرگاه این را به اختیار خود کنم اجرت دارم، اما اگر به اختیار خود نباشد و کالتی به من سپرده شد.^{۱۸} در این صورت، مرا چه اجرت است تا آنکه چون بشارت می‌دهم، انجیل مسیح را بی‌خرج سازم و اختیار خود را در انجیل استعمال نکنم؟

۱۹ زیرا با اینکه از همه کس آزاد بودم، خود را غلام همه گرداندم تا بسیاری را سود برم.^{۲۰} و یهود را چون یهود گشتم تا یهود را سود برم و اهل شریعت را مثل اهل شریعت تا اهل شریعت را سود برم؛^{۲۱} و بی‌شریعتان را چون بی‌شریعتان شدم، هر چند نزد خدا بی‌شریعت نیستم، بلکه شریعت مسیح در من است، تا بی‌شریعتان را سود برم؛^{۲۲} ضعفا را ضعیف شدم تا ضعفا را سود برم؛ همه کس را همه چیز گردیدم تا به هر نوعی بعضی را برهانم.^{۲۳} اما همه کار را برای انجیل می‌کنم تا در آن شریک گردم.

۲۴ آیا نمی‌دانید آنانی که در میدان می‌دوند، همه می‌دوند اما یک نفر جایزه را می‌برد. به اینطور شما بدوید تا به کمال ببرید.^{۲۵} و هرکه ورزش کند در هر چیز ریاضت می‌کشد؛ اما ایشان تا تاج فانی را بیابند اما ما تاج غیر فانی را.^{۲۶} پس من چنین می‌دوم، نه چون کسی که شک دارد؛ و مشت می‌زنم نه آنکه هوا را بزنم.

گوید «این قربانی بت است» مخورید به خاطر آن کس که خبر داد و برای ضمیر، زیرا که جهان و پری آن از آن خداوند است. ۲۹ اما ضمیر می گویم نه از خودت بلکه ضمیر آن دیگر؛ زیرا چرا ضمیر دیگری بر آزادی من حکم کند؟ ۳۰ و اگر من به شکر بخورم، چرا بر من افترا زنند به سبب آن چیزی که من برای آن شکر می کنم؟ ۳۱ پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هر چه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید. ۳۲ یهودیان و یونانیان و کلیسای خدا را لغزش مدهید. ۳۳ چنانکه من نیز در هر کاری همه را خوش می سازم و نفع خود را طالب نیستم، بلکه نفع بسیاری را تا نجات یابند.

پس اقتدا به من نمایید چنانکه من نیز به مسیح می کنم.



شایستگی در پرستش

۲ اما ای برادران شما را تحسین می نمایم از این جهت که در هر چیز مرا یاد می دارید و اخبار را بطوری که به شما سپردم، حفظ می نمایید.

۳ اما می خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. ۴ هر مردی که سرپوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می نماید. ۵ اما هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می سازد، زیرا این چنان است که تراشیده شود. ۶ زیرا اگر زن نمی پوشد، موی را نیز بُرَد؛ و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید پوشد. ۷ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چونکه او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد

خدا امین است که نمی گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با وسوسه راه فراری نیز محیا می سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید. ۱۴ بنابراین ای عزیزان من از بت پرستی بگریزید. ۱۵ به خردمندان سخن می گویم: خود حکم کنید بر آنچه می گویم. ۱۶ پیاله برکت که آن را تبرک می خوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می کنیم، آیا شراکت در بدن مسیح نی؟ ۱۷ زیرا ما که بسیاریم، یک نان و یک تن می باشیم چونکه همه از یک نان قسمت می یابیم. ۱۸ اسرائیل جسمانی را ملاحظه کنید! آیا خورندگان قربانی ها شریک قربانگاه نیستند؟ ۱۹ پس چه گوئیم؟ آیا بت چیزی می باشد؟ یا که قربانی بت چیزی است؟ ۲۰ نی! بلکه آنچه امت ها قربانی می کنند، برای دیوها می گذارند نه برای خدا؛ و نمی خواهم شما شریک دیوها باشید. ۲۱ محال است که هم از پیاله خداوند و هم از پیاله دیوها بنوشید؛ و هم از سفره خداوند و هم از سفره دیوها نمی توانید قسمت بُرد. ۲۲ آیا خداوند را به غیرت می آوریم یا از او توانا تر می باشیم؟

۲۳ همه چیز جایز است، اما همه مفید نیست؛ همه رواست، اما همه بنا نمی کند. ۲۴ هر کس نفع خود را نجوید، بلکه نفع دیگری را. ۲۵ هر آنچه را در قصاب خانه می فروشند، بخورید و هیچ مپرسید به خاطر ضمیر. ۲۶ زیرا که جهان و پُری آن از آن خداوند است. ۲۷ هرگاه کسی از بی ایمانان از شما وعده خواهد و می خواهید بروید، آنچه نزد شما گذارند بخورید و هیچ مپرسید برای ضمیر. ۲۸ اما اگر کسی به شما

را تحقیر می‌نماید و آنانی را که ندارند شرم‌منده می‌سازید؟ به شما چه بگویم؟ آیا در این امر شما را تحسین‌نمایم؟ تحسین نمی‌نمایم!

۲۳ زیرا من از خداوند یافتم، آنچه به شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت ۲۴ و شکر نموده، پاره کرد و گفت: «بگیرید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاری من به جا آرید.» ۲۵ و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت: «این پیاله عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید.» ۲۶ زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، مرگ خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامی که باز آید.

۲۷ پس هرکه بطور ناشایسته نان را بخورد و پیاله خداوند را بنوشد، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود. ۲۸ اما هر شخص خود را امتحان کند و بدین طرز از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد. ۲۹ زیرا هرکه می‌خورد و می‌نوشد، فتوای خود را می‌خورد و می‌نوشد اگر بدن خداوند را تشخیص نمی‌دهد. ۳۰ از این سبب بسیاری از شما ضعیف و مریض‌اند و بسیاری خوابیده‌اند. ۳۱ اما اگر بر خود حکم می‌کردیم، حکم بر ما نمی‌شد. ۳۲ اما هنگامی که بر ما حکم می‌شود، از خداوند تأدیب می‌شویم مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود.

۳۳ بنابراین ای برادران من، چون برای خوردن جمع می‌شوید، منتظر یکدیگر باشید. ۳۴ و اگر کسی گرسنه باشد، در خانه بخورد، مبادا برای عقوبت جمع شوید. و چون بیایم، مابقی را

است. ۸ زیرا که مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است. ۹ و نیز مرد برای زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد. ۱۰ از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان. ۱۱ اما زن از مرد جدا نیست و مرد هم جدا از زن نیست در خداوند. ۱۲ زیرا چنانکه زن از مرد است، همچنین مرد نیز به وسیله زن، اما همه چیز از خدا.

۱۳ در دل خود انصاف دهید، آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟ ۱۴ آیا خود طبیعت شما را نمی‌آموزد که اگر مرد موی دراز دارد، او را عاری می‌باشد؟ ۱۵ و اگر زن موی دراز دارد، او را فخر است، زیرا که موی برای پرده بدو داده شد؟ ۱۶ و اگر کسی ستیزه‌گر باشد، ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست.

شام خداوند

۱۷ اما چون این حکم را به شما می‌کنم، شما را تحسین نمی‌کنم، زیرا که شما نه از برای بهتری بلکه برای بدتری جمع می‌شوید. ۱۸ زیرا اولاً هنگامی که شما در کلیسا جمع می‌شوید، می‌شنوم که در میان شما جدایی‌ها روی می‌دهد و قدری از آن را باور می‌کنم. ۱۹ از آن جهت که لازم است در میان شما بدعتها نیز باشد تا که مقبولان از شما ظاهر گردند. ۲۰ پس چون شما در یک جا جمع می‌شوید، ممکن نیست که شام خداوند خورده شود، ۲۱ زیرا در وقت خوردن هرکس شام خود را پیشتر می‌گیرد و یکی گرسنه و دیگری مست می‌شود. ۲۲ مگر خانه‌ها برای خوردن و آشامیدن ندارید؟ یا کلیسای خدا

منتظم خواهیم نمود.

۱۳ زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم. ۱۴ زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است. ۱۵ اگر پا گوید چونکه دست نیست از بدن نمی‌باشم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟ ۱۶ و اگر گوش گوید چونکه چشم تیم از بدن نیست، آیا بدین سبب از بدن نیست؟ ۱۷ اگر تمام بدن چشم بودی، کجا می‌بود شنیدن و اگر همه شنیدن بودی کجا می‌بود بوییدن؟ ۱۸ اما اکنون خدا هر یک از اعضا را در بدن نهاد بر حسب اراده خود. ۱۹ و اگر همه یک عضو بودی بدن کجا می‌بود؟ ۲۰ اما الآن اعضا بسیار است اما بدن یک. ۲۱ و چشم دست را نمی‌تواند گفت که، محتاج تو نیستیم یا سر پایها را نیز که، احتیاج به شما ندارم. ۲۲ بلکه علاوه بر این، آن اعضای بدن که ضعیف‌تر می‌نمایند، لازم‌تر می‌باشند ۲۳ و آنها را که پست‌تر اجزای بدن می‌پنداریم، عزیزتر می‌داریم و اجزای قبیح ما جمال برتر دارد. ۲۴ اما اعضای جمیله ما را احتیاجی نیست، بلکه خدا بدن را مرتب ساخت به قسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد، ۲۵ تا که جدایی در بدن نیفتد، بلکه اعضا به برابری در فکر یکدیگر باشند. ۲۶ و اگر یک عضو دردمند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضا با او به خوشی آیند.

۲۷ اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می‌باشید. ۲۸ و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوت، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و

عطایای روحانی

۱۲

اما درباره عطایای روحانی، ای برادران نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید. ۲ می‌دانید هنگامی که امت‌ها می‌بودید، به سوی بت‌های گنگ برده می‌شدید بطوری که شما را می‌بردند. ۳ پس شما را خبر می‌دهم که هر که متکلم به روح خدا باشد، عیسی را آنا تیرما نمی‌گوید و احدی جز به روح القدس عیسی را خداوند نمی‌تواند گفت.

۴ و نعمت‌ها انواع است ولی روح همان. ۵ و خدمت‌ها انواع است اما خداوند همان ۶ و عمل‌ها انواع است اما همان خدا همه را در همه عمل می‌کند. ۷ ولی هر کس را ظهور روح برای منفعت عطا می‌شود. ۸ زیرا یکی را به وساطت روح، کلام حکمت داده می‌شود و دیگری را کلام علم، به حسب همان روح. ۹ و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمتهای شفا دادن به همان روح. ۱۰ و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تشخیص ارواح و دیگری را اقسام زبانها و دیگری را ترجمه زبانها. ۱۱ اما در جمیع اینها همان یک روح فاعل است که هر کس را فرداً به حسب اراده خود تقسیم می‌کند.

یک بدن و اعضای متعدد

۱۲ زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگر چه بسیار است یک تن می‌باشد، همچنین مسیح نیز می‌باشد.

نیست خواهد گردید. ۱۱ زمانی که طفل بدم، چون طفل حرف می‌زدم و چون طفل فکر می‌کردم و مانند طفل تعقل می‌نمودم. اما چون مرد شدم، کارهای طفلانه را ترک کردم. ۱۲ زیرا که اکنون در آینه بطور معما می‌بینم، اما آن وقت روبرو؛ الآن جزئی معرفتی دارم، اما آن وقت خواهم شناخت، چنانکه نیز شناخته شده‌ام. ۱۳ و اکنون این سه چیز باقی است، یعنی ایمان و امید و محبت. اما بزرگتر از اینها محبت است.

عطایای نبوت و زبانها

در پی محبت بکوشید و عطایای روحانی را به غیرت بطلبید، ۱۴ خصوصاً اینکه نبوت کنید. ۲ زیرا کسی که به زبانی سخن می‌گوید، نه به مردم بلکه به خدا می‌گوید، زیرا هیچ کس نمی‌فهمد اما در روح به اسرار تکلم می‌نماید. ۳ اما آنکه نبوت می‌کند، مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی می‌گوید. ۴ هر که به زبانی می‌گوید، خود را بنا می‌کند، اما آنکه نبوت می‌نماید، کلیسا را بنا می‌کند. ۵ و خواست من این است که همه شما به زبانها تکلم کنید ولی بیشتر اینکه نبوت نمایید زیرا کسی که نبوت کند بهتر است از کسی که به زبانها حرف زند، مگر آنکه ترجمه کند تا کلیسا بنا شود.

۶ اما اکنون ای برادران، اگر نزد شما آیم و به زبانها سخن رانم، شما را چه سود می‌بخشم؟ مگر آنکه شما را به مکاشفه یا به معرفت یا به نبوت یا به تعلیم گویم. ۷ و همچنین چیزهای بی‌جان که صدا می‌دهد چون نی یا بریط اگر در صداها فرق نکنند، چگونه آوازی یا بریط

تدابیر و اقسام زبانها. ۲۹ آیا همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان، یا همه قوآت؟ ۳۰ یا همه نعمتهای شفا دارند، یا همه به زبانها متکلم هستند، یا همه ترجمه می‌کنند؟ ۳۱ اما نعمتهای بهتر را به غیرت بطلبید و طریق برتر را نیز به شما نشان می‌دهم.

محبت

اگر به زبانهای مردم و فرشتگان سخن گویم و محبت نداشته باشم، مثل ناقوس صدا دهنده و سنج فغان کننده شده‌ام. ۲ و اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم به حدی که کوه‌ها را نقل کنم و محبت نداشته باشم، هیچ هستم. ۳ و اگر جمیع اموال خود را صدقه دهم و بدن خود را بسپارم تا سوخته شود و محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی‌برم. ۴ محبت بردبار و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت کبر و غرور ندارد؛ ۵ اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود؛ خشم نمی‌گیرد و سوءظن ندارد؛ ۶ از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد، ولی با راستی شادی می‌کند؛ ۷ در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌نماید؛ در همه حال امیدوار می‌باشد و هر چیز را متحمل می‌باشد.

۸ محبت هرگز ساقط نمی‌شود و اما اگر نبوتها باشد، نیست خواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفت و اگر علم، زایل خواهد گردید. ۹ زیرا جزئی علمی داریم و جزئی نبوت می‌نماییم، ۱۰ اما هنگامی که کامل آید، جزئی

خواهم گفت و با این همه مرا نخواهند شنید.»
 ۲۲ پس زبانها نشانی است نه برای ایمانداران بلکه برای بی‌ایمانان؛ اَمَّا نَبُوتٌ برای بی‌ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است. ۲۳ پس اگر تمام کلیسا در جایی جمع شوند و همه به زبانها حرف زنند و اُمّیان یا بی‌ایمانان داخل شوند، آیا نمی‌گویند که دیوانه‌ایند؟ ۲۴ ولی اگر همه نبوت کنند و کسی از بی‌ایمانان یا اُمّیان درآید، از همه توبیخ می‌یابد و از همه ملزم می‌گردد، ۲۵ و خفایای قلب او ظاهر می‌شود و همچنین به روی درافتاده، خدا را عبادت خواهد کرد و ندا خواهد داد که «به راستی خدا در میان شما است.»

۲۶ پس ای برادران مقصود این است که وقتی که جمع شوید، هریکی از شما سرودی دارد، تعلیمی دارد، زبانی دارد، مکاشفه‌ای دارد، ترجمه‌ای دارد، باید همه برای بنا بشود. ۲۷ اگر کسی به زبانی سخن گوید، دو دو یا نهایت سه سه باشند، به ترتیب و کسی ترجمه کند. ۲۸ اما اگر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید. ۲۹ و از انبیا دو یا سه سخن بگویند و دیگران تشخیص دهند. ۳۰ و اگر چیزی به دیگری از اهل مجلس مکشوف شود، آن اول ساکت شود. ۳۱ زیرا که همه می‌توانید یک‌یک نبوت کنید تا همه تعلیم یابند و همه نصیحت پذیرند. ۳۲ و ارواح انبیا مطیع انبیا می‌باشند. ۳۳ زیرا که او خدای تشویش نیست بلکه خدای صلح، چنانکه در همه کلیساهای مقدّسان. ۳۴ و زنان شما در کلیساهای خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست

فهمیده می‌شود؟^۸ زیر اگر شیپور نیز صدای نامعلوم دهد، که خود را مهتای جنگ می‌سازد؟
 ۹ همچنین شما نیز اگر به زبان، سخن مفهوم نگویید، چگونه معلوم می‌شود آن چیزی که گفته شد زیرا که به هوا سخن خواهید گفت؟^{۱۰} زیرا که انواع زبانهای دنیا هر قدر زیاد باشد، ولی یکی بی‌معنی نیست. ۱۱ پس هرگاه معنای زبان را ندانم، نزد سخنگو بیگانه و سخنگو نیز نزد من بیگانه است. ۱۲ همچون شما نیز چونکه غیور عطایای روحانی هستید، بطلبید اینکه برای بنای کلیسا سرآمد باشید.

۱۳ بنابراین کسی که به زبانی سخن می‌گوید، دعا بکند تا ترجمه نماید. ۱۴ زیرا اگر به زبانی دعا کنم، روح من دعا می‌کند اما عقل من برخوردار نمی‌شود. ۱۵ پس مقصود چیست؟ به روح دعا خواهم کرد و به عقل نیز دعا خواهم نمود؛ به روح سرود خواهم خواند و به عقل نیز خواهم خواند. ۱۶ زیرا اگر در روح ستایش می‌کنی، چگونه آن کسی که به مَنزِلَتِ اُمّی است، به شکر تو آمین گوید و حال آنکه نمی‌فهمد چه می‌گویی؟^{۱۷} زیرا تو البته خوب شکر می‌کنی، اما آن دیگر بنا نمی‌شود. ۱۸ خدا را شکر می‌کنم که زیادتز از همه شما به زبانها حرف می‌زنم. ۱۹ اما در کلیسا بیشتر می‌پسندم که پنج کلمه به عقل خود گویم تا دیگران را نیز تعلیم دهم از آنکه هزاران کلمه به زبان بگویم.

۲۰ ای برادران، در فهم اطفال مباشید بلکه در بدخوبی اطفال باشید و در فهم رشید. ۲۱ در تورات مکتوب است که «خداوند می‌گوید به زبانهای بیگانه و لبهای غیر به این قوم سخن

بر کلیسای خدا جفا می‌رسانیدم. ۱۰ اما به فیض خدا آنچه هستم هستم و فیض او که بر من بود باطل نگشت، بلکه بیش از همه ایشان مشقت کشیدم، اما نه من بلکه فیض خدا که با من بود. ۱۱ پس خواه من و خواه ایشان بدین طریق وعظ می‌کنیم و به اینطور ایمان آوردید.

قیامت مردگان

۱۲ اما اگر به مسیح وعظ می‌شود که از مردگان برخاست، چون است که بعضی از شما می‌گویند که قیامت مردگان نیست؟ ۱۳ اما اگر مردگان را قیامت نیست، مسیح نیز برنخاسته است. ۱۴ و اگر مسیح برنخاست، باطل است وعظ ما و باطل است نیز ایمان شما. ۱۵ و شهود کذب نیز برای خدا شدیم، زیرا درباره خدا شهادت دادیم که مسیح را برخیزانید، و حال آنکه او را برنخیزانید در صورتی که مردگان برنمی‌خیزند. ۱۶ زیرا هرگاه مردگان برنمی‌خیزند، مسیح نیز برنخاسته است. ۱۷ اما هرگاه مسیح برنخاسته است، ایمان شما باطل است و شما تاکنون در گناهان خود هستید، ۱۸ بلکه آنانی هم که در مسیح خوابیده‌اند هلاک شدند. ۱۹ اگر فقط در این جهان در مسیح امیدواریم، از جمیع مردم بدبخت‌تریم.

۲۰ اما اکنون مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است. ۲۱ زیرا چنانکه به انسان مرگ آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد. ۲۲ و چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت. ۲۳ اما هرکس به رتبه خود؛ مسیح نوبر است و بعد آنانی که در وقت آمدن

بلکه اطاعت نمودن، چنانکه تورات نیز می‌گوید. ۲۵ اما اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود پرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن ناپسند است. ۳۶ آیا کلام خدا از شما صادر شد یا به شما به تنهایی رسید؟ ۳۷ اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد، اقرار بکند که آنچه به شما می‌نویسم، احکام خداوند است. ۳۸ اما اگر کسی جاهل است، جاهل باشد. ۳۹ پس ای برادران، نبوت را به غیرت بطلید و از تکلم نمودن به زبانها منع مکنید. ۴۰ اما همه چیز به شایستگی و انظام باشد.

قیام مسیح

۱۵ الان ای برادران، شما را از انجیلی که به شما بشارت دادم اعلام می‌نمایم که آن را هم پذیرفتید و در آن هم استوار می‌باشید، ۲ و به وسیله آن نیز نجات می‌یابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید در غیر این صورت بیهوده ایمان آوردید. ۳ زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتم که مسیح برحسب کتب در راه گناهان ما مرد، ۴ و اینکه مدفون شد و در روز سوم برحسب کتب برخاست؛ ۵ و اینکه به کیفا ظاهر شد و بعد از آن به آن دوازده، ۶ و پس از آن، به زیاده از پانصد برادر یک بار ظاهر شد که بیشتر از ایشان تا امروز باقی هستند، اما بعضی خوابیده‌اند. ۷ از آن پس به یعقوب ظاهر شد و بعد به جمیع رسولان. ۸ و آخر همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید. ۹ زیرا من کوچکترین رسولان هستم و لایق نیستم که به رسول خوانده شوم، چونکه

احمق آنچه تو می‌کاری زنده نمی‌گردد جز آنکه بمیرد. ۳۷ و آنچه می‌کاری، نه آن جسمی را که خواهد شد می‌کاری، بلکه دانه‌ای مجرد خواه از گندم و یا از دانه‌های دیگر. ۳۸ اما خدا برحسب اراده خود، آن را جسمی می‌دهد و به هر یکی از تخم‌ها جسم خودش را. ۳۹ هر گوشت از یک نوع گوشت نیست، بلکه گوشت انسان، دیگر است و گوشت چهار پاییان، دیگر و گوشت مرغان، دیگر و گوشت ماهیان، دیگر. ۴۰ و جسمهای آسمانی هست و جسمهای زمینی نیز؛ اما شکوه آسمانها، دیگر و شکوه زمینها، دیگر است؛ ۴۱ و شکوه آفتاب دیگر و شکوه ماه دیگر و شکوه ستارگان، دیگر، زیرا که ستاره از ستاره در شکوه، فرق دارد.

۴۲ قیامت مردگان نیز اینچنین است. در فساد کاشته می‌شود، و در بی‌فسادی برمی‌خیزد؛ ۴۳ در ذلت کاشته می‌گردد و در جلال برمی‌خیزد؛ در ضعف کاشته می‌شود و در قوت برمی‌خیزد؛ ۴۴ جسم نفسانی کاشته می‌شود و جسم روحانی برمی‌خیزد. اگر جسم نفسانی هست، به راستی روحانی نیز هست. ۴۵ و همچنین نیز مکتوب است که انسان اول، یعنی آدم نفس زنده گشت، اما آدم آخر روح حیات بخش شد. ۴۶ اما روحانی مقدم نبود بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی. ۴۷ انسان اول از زمین است خاکی؛ انسان دوم خداوند است از آسمان. ۴۸ چنانکه خاکی است، خاکیان نیز چنان هستند و چنانکه آسمانی است، آسمانها همچنان می‌باشند. ۴۹ و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت.

او از آن مسیح می‌باشند. ۲۴ و بعد از آن انتها است وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید. ۲۵ زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید. ۲۶ دشمن آخر که نابود می‌شود، مرگ است. ۲۷ زیرا «همه چیز را زیر پایهای وی انداخته است.» اما چون می‌گوید که همه چیز را زیر انداخته است، واضح است که او که همه را زیر او انداخت، مستثنی است. ۲۸ اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آنگاه خود پسر هم مطیع خواهد شد او را که همه چیز را مطیع وی گردانید، تا آنکه خدا کل در کل باشد.

۲۹ والا آنانی که برای مردگان تعمید می‌یابند، چه کنند؟ هرگاه مردگان مطلقاً بر نمی‌خیزند، پس چرا برای ایشان تعمید می‌گیرند؟ ۳۰ و ما نیز چرا هر ساعت خود را در خطر می‌اندازیم؟ ۳۱ به آن فخری که درباره شما برای من در خداوند ما مسیح عیسی هست قسم، که هر روزه مرا مرگی است. ۳۲ چون بطور انسان در افئس با وحوش جنگ کردم، مرا چه سود است؟ اگر مردگان بر نمی‌خیزند، بخوریم و بیاشامیم چون فردا می‌میریم. ۳۳ فریفته مشوید! معاشرات بد، اخلاق نیکو را فاسد می‌سازد. ۳۴ برای عدالت بیدار شده، گناه مکنید زیرا بعضی معرفت خدا را ندارند. برای شرمساری شما می‌گویم.

بدن قیام کرده

۳۵ اما اگر کسی گوید: «مردگان چگونه برمی‌خیزند و به کدام بدن می‌آیند؟»، ۳۶ ای

۳ و چون برسّم، آنانی را که اختیار کنید با نامه‌ها خواهم فرستاد تا احسان شما را به اورشليم ببرند. ۴ و اگر مصلحت باشد که من نیز بروم، همراه من خواهند آمد.

در خواستهای شخصی

۵ و چون از مقدونیه عبور کنم، به نزد شما خواهم آمد، زیرا که از مقدونیه عبور می‌کنم، ۶ و احتمال دارد که نزد شما بمانم بلکه زمستان را نیز به سر برم تا هرجایی که بروم، شما مرا بدرقه کنید. ۷ زیرا که الآن اراده ندارم در بین راه شما را ملاقات کنم، چونکه امیدوارم مدتی با شما توقّف نمایم، اگر خداوند اجازت دهد. ۸ اما من تا پنطیکاست در آفُسس خواهم ماند، ۹ زیرا که دروازه بزرگ و کارساز برای من باز شد و مخالفین، بسیاریرند. ۱۰ اما اگر تیموتائوس آید، آگاه باشید که نزد شما بی‌ترس باشد، زیرا که در کار خداوند مشغول است چنانکه من نیز هستم. ۱۱ بنابراین هیچ کس او را حقیر نشمارد، بلکه او را در صلح بدرقه کنید تا نزد من آید زیرا که او را با برادران انتظار می‌کشم. ۱۲ اما دربارهٔ اُپُلُس برادر، از او بسیار درخواست نمودم که با برادران به نزد شما بیاید، اما هرگز راضی نشد که بیاید ولی چون فرصت یابد خواهد آمد.

۱۳ بیدار شوید، در ایمان استوار باشید و مردان باشید و زورآور شوید. ۱۴ جمیع کارهای شما با محبّت باشد. ۱۵ و ای برادران به شما التماس دارم [شما خانواده استیفان را می‌شناسید که نوبس اخائیّه هستند و خویشترن را به خدمت مقدّسین سپرده‌اند]، ۱۶ تا شما نیز چنین

۵۰ اما ای برادران این را می‌گویم که گوشت و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود و فاسد وارث بی‌فسادی نیز نمی‌شود. ۵۱ همانا به شما سرّی می‌گویم که همه نخواهیم خوابید، اما همه متبدّل خواهیم شد. ۵۲ در لحظه‌ای، در یک چشم به هم زدن، به محض نواختن شیپور آخر، زیرا شیپور صدا خواهد داد، و مردگان، بی‌فساد خواهند برخاست و ما متبدّل خواهیم شد. ۵۳ زیرا که می‌باید این فاسد بی‌فسادی را بپوشد و این فانی به حیات آراسته گردد. ۵۴ اما چون این فاسد بی‌فسادی را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی که مکتوب است به انجام خواهد رسید که «مرگ در پیروزی بلعیده شده است. ۵۵ ای مرگ نیش تو کجا است و ای گور پیروزی تو کجا؟» ۵۶ نیش مرگ گناه است و قوّت گناه، شریعت. ۵۷ اما شکر خدا راست که ما را به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح پیروزی می‌دهد.

۵۸ بنابراین ای برادران حیب من پایدار و بی‌تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزایید، چون می‌دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست.

زکات برای مقدّسین

اما دربارهٔ جمع کردن زکات برای مقدّسین، چنانکه به کلیساهای غلاطیه فرمودم، شما نیز همچنین کنید. ۲ در روز اوّل هفته، هر یکی از شما به حسب نعمتی که یافته باشد، نزد خود ذخیره کرده، بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد.

سلام‌ها

۱۹ کلیساهای آسیا به شما سلام می‌رسانند و آکیلا و پرسیلا با کلیسایی که در خانه ایشانند، به شما سلام بسیار در خداوند می‌رسانند. ۲۰ همه برادران شما را سلام می‌رسانند. یکدیگر را به بوسه مقدّسه سلام رسانید. ۲۱ من پولس از دست خود سلام می‌رسانم. ۲۲ اگر کسی عیسی مسیح خداوند را دوست ندارد، اناثیما باد. ماران اتا (خداوند ما، بیا!). ۲۳ فیض عیسی مسیح خداوند با شما باد. ۲۴ محبّت من با همه شما در مسیح عیسی باد، آمین.

اشخاص را اطاعت کنید و هرکس را که در کار و زحمت شریک باشد. ۱۷ و از آمدن استیفان و فرّوتوناتس و آخائیکوس مرا شادی رخ نمود زیرا که آنچه از جانب شما ناتمام بود، ایشان تمام کردند، ۱۸ چونکه روح من و شما را تازه کردند. پس چنین اشخاص را بشناسید.